

راه و چاه آقای دکتر بدیعی

امیر فیض - حقوقدان

متن سخنرانی آقای دکتر کاظم ودیعی با خواستاری و تاکید ارسال کننده، مبنی بر توجه به راه حلی که ایشان ارائه داده اند در جاوید ایران گرد آمده است.

با آنکه در پیام ارسال کننده راهنمایی شده که به قسمت آخر نوار سخنرانی توجه شود، معهذا سوابق و نوشته های آقای دکتر ودیعی مشوقی بود که بتمام صحبت های ایشان با همه مشکلاتی که دارم گوش کنم و چنین هم کردم.

بخش مفصل سخنان ایشان متوجه استراتژی روسیه و آمریکا و سایر کشورها و جمهوری اسلامی در سوریه بود، که بنده چندان رغبتی به مشارکت در آن ندارم. یادم هست در جریان جنگ جهانی دوم که شاهرخ نامی^۱ مفسیر سیاسی رادیو آلمان بود گفته بود: <ایرانیها عموماً مفسر جنگ هستند> و درست هم میگفت در آن سالها در هر قهوه خانه ای جبهه های جنگ آلمان و شوروی چنان از سوی مشتریان تفسیر میشد که فرماندهان آلمان و روسیه هم هاج و واج میماندند. یادم هست حتی در روزهای عقب نشینی بزرگ آلمان ها هم مفسرین ایرانی میگفتند که این یک شگرد آلمانهاست که میخواهند تمام قوایشان را جمع کنند و مثل فنریکدفعه تمام روسیه را یکشبه بگیرند. باری من از آن زمان دیگر دل و دماغی به تفاسیر سیاسی جنگی بین کشورها ندارم؛ بنابراین توجهات خاص آقای دکتر بدیعی در مورد استراتژی روسیه و سوریه و غیره مورد نقد این تحریر نیست.

اما راه حل ایشان

در نخستین سالی که به کانادا آمدم یک ایرانی بمناسبت اینکه سالها قبل از شورش ۵۷ در کانادا زندگی میکرد بطور طبیعی ملجا هدایت و راهنمایی ایرانیان تازه وارد به کانادا قرار گرفته بود و ایرانیها با زحمت زیادی خودشان راه او میروساندند و می پرسیدند ما باید چکار کنیم، راه و چاه ما کدام است، آن شخص در نهایت سادگی میگفت راه شما این است که بروید به کانادین تایر Canadian Tire^۲ و چند متر طناب بخرید و خودتان را دار بزنید، همین و همین!

راه و چاره آقای دکتر بدیعی با موقعیتی که ایرانیان برای ایشان قائلند خیلی شبیه به راه حل همان ایرانی مقیم کانادا است. خلاصه و فشرده راه حال ایشان این است که ایرانیان خارج از کشور باید اصلاح طلبان داخل کشور را یاری دهند و صرف نظر از دموکراسی اسلامی و یا دموکراسی حقیقی و مسئله تمامیت ارضی باید با حفظ حرمت کسانی که در ایران قدم برمیدارند به آنها پروبال بدهند و اگر چنین نکنیم و نکنند ایران

۱ - بهرام شاهرخ - ح-ک

۲ - این یک فروشگاه است که بجز جان آدمیزاد همه چیز از تایر اتومبیل تا طناب و رنگ و دیگ و قابلمه و دوچرخه و روغن و کفش و گل و گلدان همه چیز میفروشد. ح-ک

تبدیل به کره شمالی خواهد شد. نظراتشان و مستندات ابرازی ایشان بسیار نزدیک و اقتباس از اسلام آمریکائی است.

حاشیه درباره اسلام آمریکائی

در سال ۱۳۶۷ جامعه معلمین کشور در خارج از کشور بریاست آقای محمد درخشش سمیناری برای سخنرانی آقای حائری یزدی در دانشگاه آمریکن ترتیب داد که حائری درباره اسلام و دموکراسی و هماهنگی بین آنها بعنوان مجتهد طراز اول و دکترای الهیات از دانشگاه تهران و دکترای فلسفه از دانشگاه تورنتو و و مراتب دانشگاهی دیگری که به اوست جاق شده بود سخن گفت و به سوالات حاضرین پاسخ داد و تمام تلاشش این بود که بین اسلام و دموکراسی و اینکه اسلام قرانت های مختلفی دارد (درست منطبق با مراتب مورد ادعای آقای دکتر بدیعی).

سنگر بلافاصله رساله ای تحت عنوان اسلام آمریکائی در نشریه خود منتشر ساخت که رد اظهارات آقای حائری و در اثبات تعارض آشکار بین اسلام و دموکراسی بود (رساله مزبور بعدا توسط سازمان مشعل به چاپ رسید که نسخه ای از آن در کتابخانه سنگرباقی است).

بگه درد ناک

بنده از راه حل ایشان بسیاریکه خوردم زیرا فرمایشات ایشان دریک مصاحبه با آقای ناصر امینی که گفته بودند: **«چپادشاهی یک نهاد است در ادب و فرهنگ سیاسی ایرانیان، اما دموکراسی پادشاهی تحولی است بزرگ و من بر آن، رساله ای در حال نوشتن هستم»** را در خاطر دارم و بهر حال ایشان را پایگاهی برای حمایت از حقانیت تداوم سلطنت مشروطه ایران و مخالف شورش ۵۷ و دستاورد های آن از جمله جمهوری اسلامی و جناح بندی آن میدانستم و انتظار نداشتم که به این سادگی وا بدهند و مبلغ اصلاح طلبان که با عنوان واقعی نوکران و سرسیردگان آمریکا محسوب میشوند در آیند.

براستی که چنین دفاع و ایجاد حقانیتی که برای اصلاح طلبان از ناحیه ایشان شده است خود اصلاح طلبان را بعلت سابقه کثیف و بیگانه پرستی و همدمی باشورش و تبعیت از ابلیس جسارت آن نیست و راه حلی که آقای دکتر بدیعی بتمام مردم ایران ارائه داشته اند از ناحیه هیچ اصلاح طلبی تاکنون به این جامعیت انحصاری همراه با تالی فاسد آن یعنی تهدید کره شمالی شدن ایران، دیده نگردیده است.

خوب به یاد دارم که تهدید ایران به کره شمالی شدن بی سابقه و ابتکار آقای دکتر بدیعی نیست بخشی از طرفداران جمهوری اسلامی با این وحشت جلودمیروند که سقوط جمهوری اسلامی سبب تجزیه ایران و تبدیل ایران به کره شمالی میشود.

چرا آقای دکتر بدیعی که معتقد است تمام طرحهای عمرانی کنونی کشور از دستاوردهای رژیم سلطنتی مشروطه ایران است به چنین تهدید توخالی (ایران تبدیل به کره شمالی میشود) متمسک است مگر در ایام حاکمیت رژیم سلطنتی، ایران کره شمالی بود که امروز عبور ایران از چاه ویل بی سامانی جمهوری اسلامی به کره شمالی منتج شود.

این برداشت ناموزون و بسیار زننده ایشان یاداظهارات احمد مدنی (کارگزار و یارجان برکف امام خمینی) را زنده میکند که گفت: «باید صریحا بگویم کارهایی که در آن دوران شد (مقصودش دوران شاهنشاه آریامهر است) کمتر از حمله مغول نیست، چنانچه در مملکت ما انقلاب نمیشد و با همان آهنگ پیش میرفتیم ایران تا سال ۲۰۰۰ فقیرترین کشورهای جهان میشد و حتی نه یکی از فقیرترین ها».

(روزنامه اطلاعات دوشنبه ۵۷ اسفند)

احمد مدنی هم مانند آقای دکتر ودیعی از این قیاس مع الفارغ خواست بفهماند که اگر به جانبداری از شورشیان برنیاید ایران تا سال ۲۰۲۰ به فقیرترین کشورهای جهان در خواهد آمد.

کاملا مشهود است که در داخل ایران یک موج حمایت از اصلاح طلبان به رهبری شیخ حسن ورفسنجانی و خاتمی و رهبری آمریکا بوجود آمده است و فعالیت های اخیر امضا جمع کردن ها هم بخشی از همان موج است ولی به هیچوجه چنین وا دادگی و اصراری در حمایت ایرانیان خارج و داخل کشور از اصلاح طلبان که جناحی از شورشیان ۵۷ به اضافه نوکری آمریکا و اسرائیل را دارند حتی از نمایندگان اصلاح طلبان که بنمایندگی جنبش سبز فعالند دیده نشده است؛ آنها با همه بیغیرتی سیاسی جرات و جسارت این کار را نیافته اند.

واقعا باور نکردنی است اگر اظهارات آقای دکتر ودیعی بطریق مستقیم شنیده نشده بود باور کردنی نبود.

انسان البته که میتواند مطابق نظر دیگران فکر کند و حرف بزند و یاد رخلوت به خود و نزدیکان نهیب بزند که راستکار و معتقد باشید ولی مرد آن است که در هر حال سنگر اعتقادی که به آن شهرت یافته را خالی نکند.

هیچ نکبتی برای ایرانیانی که علیه جمهوری اسلامی، سالهاست مبارزه میکنند بالاتر از این نیست که دعوت شوند که سگ را با سگ توله عوض کنند یعنی جمهوری اسلامی را باضافه نکبت و وابستگی و نوکری صریح به بیگانه را بپذیرند.

ایرانیها شاید نمیدانستند که ماهیت جمهوری اسلامی چیست ولی اکنون همه میدانند که ماهیت اصلاح طلبان و جنبش سبز چیست، به روشنی خواستار تداوم جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن بعلاوه نوکری و وابستگی به آمریکا هستند. این ننگ چیست که آقای دکتر ودیعی را آلوده ساخته و مبلغ بی پروای حمایت از جناحی از بدنه جمهوری اسلامی شده است؟ این ننگ چیست که ایشان خطر تجزیه کشور و پایداری دموکراسی اصلی و جایگزینی دموکراسی اسلامی (مسخره ترین عناوین ساخت اسلام آمریکائی) را فدای همکاری و حمایت از اصلاح طلبان میدانند؟

این ننگ چیست که آقای ودیعی یکباره به صحرای کربلا میزند و مسئله تجزیه کشور را در جریان یک امر تبلیغی امری بی اهمیت میسازد. تبلیغ از یک گروه سیاسی چه ارتباطی به بی اهمیت دانستن تمامیت ارضی کشور دارد.

آیا واقعا اظهارات ایشان جواز قرانت این بیت است:

گروغن و نان خواهی همکاسه آنان شو خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو



این فایل که گفتگوی آقای دکتر کاظم ودیعی با سعید بهبهانی زیر عنوان «تنش ترکیه و روسیه و وضعیت اصلاح طلبی از نگاه دکتر کاظم ودیعی» بود را بدون هرگونه تفسیر و انتقادی در روز پنجم دسامبر ۲۰۱۵ به لیست فرستاده ام. برای شنیدن آن همان عنوان را بصورت کامل در اینترنت پژوهش کنید. ح-ک